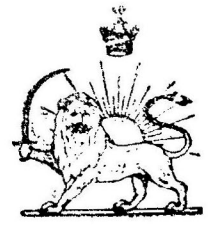


بهای اشتراك	
مذاكرات مجلس شورای ملی سالانه ۲۰۰ ریال	
مذاكرات مجلس ستاد	۲۰۰
آگهی ها	۶۰۰
مذاكرات مجلسین و آگهی ها	۹۰۰



مجله اداره	
مجلس شورای ملی	
شماره نهم، ۳۰۴۴۸ و ۳۸۸۹۶ و ۳۸۸۹۷ و ۳۸۸۹۸	
روزنامه یومیه	تک شماره ۳ ریال

# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۳۱۲۵      ۲ شنبه ۹ آبان ماه ۱۳۳۴      سال یازدهم

شماره مسلسل ۱۶۴  
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۶۴  
صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه  
دوم آبان ماه ۱۳۳۴

### فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان: خلعتبری - حائری زاده
- ۳) بیانات آقای رئیس بمناسبت دهمین سال تأسیس سازمان ملل متحد
- ۴) اخذ رأی و تصویب لایحه اجازه پرداخت یکصد میلیون ریال اضافه اعتبار وزارت راه
- ۵) تقدیم لایحه تفکیک وزارت اقتصاد ملی بوسیله آقای معاون نخست وزیر
- ۶) مذاکره در گزارش کمیسیون دارائی راجع بفروش خالصجات از ماده ۳
- ۷) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه (مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید)



### ۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود.  
(بشرح زیر خوانده شد)  
غائبین با اجازه - آقایان: امید سالار - رضا انشار - تجدد - درخشش - سهرابیان - عبدالرحمن فرامرزی - دکتر سعید حکمت - خاکباز - ارباب  
غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر حمزوی سمبیدی - یار انشار - اریه - سالار بهزادی - شقیعی - قوامی - مهندس اردبیلی - استفندیاری - مهندس شاهرخ شاهی  
دیر آمدگان و زود رفتهگان با اجازه - آقایان: صفاری - سرمد - پیراسته - عرب

### شبانی

رئیس - نسبت بصورت مجلس جلسه پیش نظری چیست؟ آقای دکتر شاهکار  
دکتر شاهکار - در صورت جلسه یکشنبه جناب آقای ملاء در ضمن اظهاراتشان گفته اند «ضمناً تصویب پیمان الحاق ایران را بمنزله رأی اعتماد بدولت تلقی میکنم» چون اگر این اعتراضی که عرض میکنم با اجازه مقام ریاست مجلس درج نشود تصور این می رود که تمام اینها در ضمن صورت مجلس تصویب شده است و حال اینکه رأیی که قاطبه نمایندگان مجلس دادند راجع پیمان بود آنهم از نظر حفظ و حراست کشور و تقویت بنیه دفاعی آن و بهیچوجه رأی اعتماد

بدولت نبود (صحیح است) اگر دولت رأی اعتماد می خواهد تشریفاتی دارد بیاید و انجام تشریفات را انجام بدهد (صحیح است)  
قنات آبادی - اگر نظر مبارکشان باشد بنده امروز این عرض را کردم

رئیس - آقای مهندس اردبیلی  
مهندس اردبیلی - بنده کسالت داشتم و قبلاً تلگرافی خبر داده  
رئیس - بکمیسیون رفته است اصلاح میشود. آقای حائری زاده

حائری زاده - در اظهارات بنده يك اشتباهاتی در مطبعه تصور میکنم شده که تصحیح لازم دارد و يك بیاناتی هم جناب آقای وزیر دادگستری در غیاب من نموده اند که بنده باید توضیح بدهم تا رفع اشتباهات بشود.

رئیس - آقای نقابت  
نقابت - اظهاراتی که بنده کردم و پیشنهادی که تقدیم کردم با استناد چند اصل از قانون اساسی بود که مورد تأیید و تصدیق عموم آقایان نمایندگان محترم واقع شد (صحیح است - صحیح است) مقام ریاست هم تأیید فرمودند ولی از لحاظ اینکه این تصدیق در صورت مجلس بود تصریح نشده خواستم تذکر بدهم که تصریح بشود و اتفاقاً بعضی از جراند هم بهیچوجه متعرض این مطلب نشده بودند و حال اینکه برخلاف احساسات وطن پرستی بود.

رئیس - اصلاح میشود آقای شوشتری  
شوشتری - عرضی ندارم  
رئیس - دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نبود (اظهاری نشد) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

### ۲- بیانات قبل از دستور

آقایان خلعتبری و حائری زاده  
رئیس - سه نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند  
شوشتری - دستور  
خلعتبری - چرا آقایان حقمان است باید نمایندگان بیانند صحبتشان را بکنند

رئیس - میگذاریم برای بعد از دستور چون مطابق آئین نامه هم قبل از دستور و هم بعد از دستور آقایان میتوانند صحبت کنند.

خلعتبری - بعد از دستور همه خسته اند بنده تقاضای رأی میکنم

رئیس - عده برای رأی کافی نیست  
عبدالصاحب صفائی - قانون خالصجات مانده بگذارید تصویب شود

دکتر بینا - رأی ندارد قربان حرفشان را اینجا نگویند کجا بگویند  
رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست آقای خلعتبری بفرمائید

خلعتبری - من بمسئله الحاق پیمان دفاعی خاور میانه وقتی رأی دادم بیشتر نیتم این بود که تا جنک نشود این امر ممکن است با اصلاح وضع اقتصادی ایران کمک کند ما يك مرحله در پیش داریم که آن اصلاح وضع اقتصادی است و بر هر چیز مقدم است این يك مسئله اساسی است که باید بشود. فقر و پریشانی يك مسئله مسلمی برای ما است که باید علاج شود آقا جنک معلوم نیست بشود یا نشود و از حدود پیش بینی ما هم خارج است اگر واقع شد معلوم نیست چه خواهد شد

اما اگر مملکتی وضع اقتصادی درست و اصلاح شود و جنک هم اگر مسلم باشد که واقع شود مملکتی که مرحله اقتصادی را گذشته باشد زود میتواند ترمیم خرابیها را بکند (صحیح است) مثل آلمان و فنلاند و انگلستان و بلژیک که با مساعدت امریکا ترمیم خرابیها را کردند. پس من جداً معتقدم از این فرصت و وسیله که پیش آمده باید برای اصلاح وضع اقتصادی مملکت استفاده شود (صحیح است) اختیار زمان جنک از

عین صورت مشروح مذاکرات یکصد و شصت و چهارمین جلسه از دوره هجدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

دست همه خارج است و هیچکس نمیتواند پیش بینی کند. دیروز یک نفر ملاحظات کردم میگفت اگر ایران ملحق بییمان دفاعی خاورمیانه نباشد بهتر بود زیرا اگر ما مثل دقه گذشته خود را بیطرف در مقابل هر حادثه اعلام میکردیم موقع جنگ روسها با ما رفتار بهتری میکردند. من بگم رتبه یاد مطلبی افتادم که ثابت میکند حساب زمان صلح را باید کرد و حساب زمان جنگ از دست ما خارج است یکی از رجال نظامی معروف است که در زمان جنگ مهم ترین مشاغل را داشت برای من حکایت میکرد که موقعی که آلمانی ها به تقاضای نزدیک میشدند مطلع شدم که نقشه جنگی متفقین این است که برای اینکه آلمانها دچار تنگی آذوقه شوند لازم بود که تمام قسمت های غربی ایران از سکنه خالی و مردم این نواحی منتقل بقسمتهای دیگر و بشق آباد و آنجا باشند و هر چه گاو گوسفند و آذوقه و غله است تلف و نابود شود تا قشون آلمانی با یک بیابان بدون جمعیت در رو بر شود این نقشه اگر اجرا میشد چندین میلیون نفر از مردم مملکت تلف میشدند و نصف مردم مملکت از گرسنگی و مرض و آوارگی میمردند پس در جنگ رحم نیست اگر جنگی شود و قشون روس وارد ایران شود باید عقب نشینی کند آیا گمان میکنید مردم و عاطفه و خرج خواهد داد در خود روسیه در تمام اوکراین آنچه معسول بود سوزانند و حیوانات را تلف کردند برای اینکه بدست آلمانها بیفتد. آیا وقتی با مردم روس مصلحت جنگی اقتضای آن شده است که مردم را از مهر بازی خواهند کرد مگر آن دمه ما بیطرف نبودیم پس چرا آنچنان نقشه شومی را که گفته برای ما میخواستند اجرا کنند این را نیز میگویم بر آن اینکه آن نقشه اجرا میشد چند نفر از افسر های ارتش خود معانی البته تشکیک دادند که اگر آلمانها با این نزدیک شوند این افسر های ارتش ایران را وارد دفاع خود میگردانند اجرای آن نقشه البته برای او نیز بهر منفعتی است اما من میگویم و اگر آماده باشیم نمیتوانیم از زحف روسیه دفاع کنیم و این شرط آماده گن ما اصلاح اوضاع اقتصادی ما خواهد بود ممکن نیست در آتی به مساعی بیشتری برای ایجاد اخلاف و تسلیحات و ضعیف ساختن روحیه داخلی ما عمل آید پس باید مویا بود آنوقت که میخواهند این کشور را مستعبدین دولتی ما فاسد میگویند و جرائد خارجی هم از این بیانات ما سوء استفاده کرده اند صحیح نیست مستعبدینی که در سی سال پیش ۵۰ تومان حقوق میگرفتند امروز که حداقل هزینه زندگی ۲۰ برابر شده باید هزار تومان حقوق بگیرند اگر در هر مملکتی چه آمریکا و انگلیس تفاوت بین حقوق یا مهربانی و هزینه زندگی آن باشد که در مملکت ماست کمتر آدم امین و درستکار دارد آنجا پیدا خواهد شد. (صحیح است) آقای دکتر بیرجندی می گفت روزی در آمریکا کنفرانس میدادم

هم نظری وهم آهنگی داریم بنابراین همان طور که دنیا از ما استفاده در این همکاری بین المللی طبق منشور ملل متحد میکند ما هم حق استفاده داریم بنابراین باید ما کمک بشود من این جمله آمریکائی یوس و راندنوز را بدولت ارائه میدهم ملاحظه کنند اسپانیا با اینکه داخل در هیچ اتحادیه ای نیست معذک هفتصد میلیون دلار آمریکا بیاقرار گذاشته اند برای اوله کشی نفت فرود گاو بنادر بآن کشور بدهند پس ما که در منتهای فقر داخل در یک بیمان هم کاری برای دفاع از قسمتی از خاور میانه هستیم بطریق اولی استحقاق یک کمک داریم و جدا هم باید از این نوع کمکها برای ساختن بنادر و راهها فرودگاهها استفاده کنیم و این مخارج بردارند ضعیف ما از نفت جمیل نشود یو گسلازی کمونیست در این چند سال هزار میلیون دلار از آمریکا استفاده کرده است یا اگر لازمه این هم کاری توسعه ارتش خواهد بود یعنی ارتش که برای دفاع مهیا باشد و تشکیلات فعلی ارتش اصفا نکتیم در آن صورت هزینه زیادی از نظر نگاهداری ارتش ما تعلق خواهد گرفت ما اگر آن هزینه سنگین را از خود بخواهیم. (صحیح است) وزیر امور خارجه در این چند سال ما هنوز یک دانشکده طب عمومی تأمین نشود ما هنوز یک دانشکده طب معنای دانشکده بیشتر نداریم در صورتیکه ما احتیاج به ۱۵ هزار طبیب داریم ما احتیاج داریم ولی بودجه برای این کار نداریم ما بیخوبی از مسائل احتیاج داریم که حتی مربوط به دفاع است که با بودجه ۱۵ هزار کیلومتر راه میخوایم. امروز ما با خطر بزرگ بیکاری در مملکت روبرو هستیم دهها هزار جوان بیکارند کار نداریم با آنها بدیم از بودجه دولت نباشد بهمه اینها حقوق داد باید کار در مملکت زیاد شود و سرمایه بکار بیفتد. در آمریکا برای اینکه بکنفر کار داشته باشد ۱۲ هزار دلار سرمایه باید بکار بیفتد ما جواب این هزارها جوانهای بیکار را چه باید بدیم. در هر شهری هزارها نفر بیکارند برای تهیه کار جهت اینها برنامه های اقتصادی و تولیدی لازم است و بدون سرمایه اینکار امکان ندارد. ما الان به آجه ما کمی حقوق مستخدمین دولت هستیم این مسئله را بلاشهر باید مورد توجه قرار داد در مملکت دیگر قیمت پول را طوری تعیین میکنند که با قدرت خرید و تأمین هزینه زندگی معادل باشد ما متأسفانه بواسطه نداشتن پول و در آمد در این موضوع هنوز نتوانسته ایم تصمیمی بگیریم اینکه مستعبدین دولتی ما فاسد میگویند و جرائد خارجی هم از این بیانات ما سوء استفاده کرده اند صحیح نیست مستعبدینی که در سی سال پیش ۵۰ تومان حقوق میگرفتند امروز که حداقل هزینه زندگی ۲۰ برابر شده باید هزار تومان حقوق بگیرند اگر در هر مملکتی چه آمریکا و انگلیس تفاوت بین حقوق یا مهربانی و هزینه زندگی آن باشد که در مملکت ماست کمتر آدم امین و درستکار دارد آنجا پیدا خواهد شد. (صحیح است) آقای دکتر بیرجندی می گفت روزی در آمریکا کنفرانس میدادم

نقشه در دوسا ل اخیر بر ما داده شد چه فایده ای از نظر اقتصادی بر دیم ؟ کمک هائی که بمانی شود باید کمکهای اساسی باشد بجای سرمایه هائی که بسرباز خانه میروند ترا کتور و ماشین آلات فلاحتی باید وارد شود که کم بود کار جبران شود و در آمد کشاورزی زیاد شود برای یک نقشه کامل کشاورزی باید با کمک شود که ما بتوانیم وضع کشاورزی خود را اصلاح کنیم سرمایه بانک کشاورزی راحتی بیشتر از تر که کنیم در تمام مملکت کشاورزان ما کلیه اشخاصی که میتوانند عملیات عمرانی کنند مشغول فعالیت شوند و سطح تولید و سطح زندگی بالتبجیه بالا رود (شوشتری- آبیاری را درست کنند کارها درست میشود) بهداشت عمومی مادر حکم صفر است ما اقتصادها میلیون تومان لازم داریم که بهداشت عمومی تأمین شود ما هنوز یک دانشکده طب عمومی دانشکده بیشتر نداریم در صورتیکه ما احتیاج کافی داریم ولی بودجه برای این کار نداریم ما بیخوبی از مسائل احتیاج داریم که حتی مربوط به دفاع است که با بودجه ۱۵ هزار کیلومتر راه میخوایم. امروز ما با خطر بزرگ بیکاری در مملکت روبرو هستیم دهها هزار جوان بیکارند کار نداریم با آنها بدیم از بودجه دولت نباشد بهمه اینها حقوق داد باید کار در مملکت زیاد شود و سرمایه بکار بیفتد. در آمریکا برای اینکه بکنفر کار داشته باشد ۱۲ هزار دلار سرمایه باید بکار بیفتد ما جواب این هزارها جوانهای بیکار را چه باید بدیم. در هر شهری هزارها نفر بیکارند برای تهیه کار جهت اینها برنامه های اقتصادی و تولیدی لازم است و بدون سرمایه اینکار امکان ندارد. ما الان به آجه ما کمی حقوق مستخدمین دولت هستیم این مسئله را بلاشهر باید مورد توجه قرار داد در مملکت دیگر قیمت پول را طوری تعیین میکنند که با قدرت خرید و تأمین هزینه زندگی معادل باشد ما متأسفانه بواسطه نداشتن پول و در آمد در این موضوع هنوز نتوانسته ایم تصمیمی بگیریم اینکه مستعبدین دولتی ما فاسد میگویند و جرائد خارجی هم از این بیانات ما سوء استفاده کرده اند صحیح نیست مستعبدینی که در سی سال پیش ۵۰ تومان حقوق میگرفتند امروز که حداقل هزینه زندگی ۲۰ برابر شده باید هزار تومان حقوق بگیرند اگر در هر مملکتی چه آمریکا و انگلیس تفاوت بین حقوق یا مهربانی و هزینه زندگی آن باشد که در مملکت ماست کمتر آدم امین و درستکار دارد آنجا پیدا خواهد شد. (صحیح است) آقای دکتر بیرجندی می گفت روزی در آمریکا کنفرانس میدادم

یکی از حضار پرسید آیا صحیح است که در دستگاه دولتی ایران فساد هست يك آمریکائی از جابخواست و گفت آیا تو میتوانی بگویی که در دولت خودت یعنی دولت آمریکا فساد وجود ندارد. یکی از اساتید دانشگاه که فارغ التحصیل دانشگاه کلمبیا است میگفت کاش مردم درستکار زبانی پیدا کنیم. این فساد بمعنای واقعی نیست عده قلیل هستند که دزدی و تقلب و سوء استفاده میکنند اما ملت عده فقروند یعنی در تمام مملکت کشاورزان ما کلیه اشخاصی که میتوانند عملیات عمرانی کنند مشغول فعالیت شوند و سطح تولید و سطح زندگی بالتبجیه بالا رود (شوشتری- آبیاری را درست کنند کارها درست میشود) بهداشت عمومی مادر حکم صفر است ما اقتصادها میلیون تومان لازم داریم که بهداشت عمومی تأمین شود ما هنوز یک دانشکده طب عمومی تأمین نشود ما هنوز یک دانشکده طب معنای دانشکده بیشتر نداریم در صورتیکه ما احتیاج کافی داریم ولی بودجه برای این کار نداریم ما بیخوبی از مسائل احتیاج داریم که حتی مربوط به دفاع است که با بودجه ۱۵ هزار کیلومتر راه میخوایم. امروز ما با خطر بزرگ بیکاری در مملکت روبرو هستیم دهها هزار جوان بیکارند کار نداریم با آنها بدیم از بودجه دولت نباشد بهمه اینها حقوق داد باید کار در مملکت زیاد شود و سرمایه بکار بیفتد. در آمریکا برای اینکه بکنفر کار داشته باشد ۱۲ هزار دلار سرمایه باید بکار بیفتد ما جواب این هزارها جوانهای بیکار را چه باید بدیم. در هر شهری هزارها نفر بیکارند برای تهیه کار جهت اینها برنامه های اقتصادی و تولیدی لازم است و بدون سرمایه اینکار امکان ندارد. ما الان به آجه ما کمی حقوق مستخدمین دولت هستیم این مسئله را بلاشهر باید مورد توجه قرار داد در مملکت دیگر قیمت پول را طوری تعیین میکنند که با قدرت خرید و تأمین هزینه زندگی معادل باشد ما متأسفانه بواسطه نداشتن پول و در آمد در این موضوع هنوز نتوانسته ایم تصمیمی بگیریم اینکه مستعبدین دولتی ما فاسد میگویند و جرائد خارجی هم از این بیانات ما سوء استفاده کرده اند صحیح نیست مستعبدینی که در سی سال پیش ۵۰ تومان حقوق میگرفتند امروز که حداقل هزینه زندگی ۲۰ برابر شده باید هزار تومان حقوق بگیرند اگر در هر مملکتی چه آمریکا و انگلیس تفاوت بین حقوق یا مهربانی و هزینه زندگی آن باشد که در مملکت ماست کمتر آدم امین و درستکار دارد آنجا پیدا خواهد شد. (صحیح است) آقای دکتر بیرجندی می گفت روزی در آمریکا کنفرانس میدادم

کنیم و ایالات و عشایر باید کمک هائی را برای از جهت تشویق کله داری و حبس و سایر اصلاحات ایلات و عشایر را باید در مدت کمی تعیین نمایم. باید عملیات عمرانی در زمین ایلات و عشایر و مخصوصاً نواحی جنوب ایران خوزستان و بنادر و بندر چستان و آرمین آغاز شود. ما با مسائل بسیار اساسی از نظر اقتصادی روبرو هستیم و احتیاج یک کمک های اساسی داریم که اگر این کمکها بماند وضع ما با امروز تفاوتی نخواهد کرد. ما باید برنامه اقتصادی خود را بر اساس فعالیت های فردی قرار دهیم و این کار محتاج بانکهای زیاد و مختلف و کمک بیانات های فعلی است. در این دودغه اخیر بعضی روزنامه های خارجی مخصوصاً روزنامه های انگلستان تذکراتی داده اند که باید وضع اقتصادی ایران اصلاح شود این مسئله يك حقیقت غیر قابل انکاری است. البته همانطور که در جلسه سابق جناب آقای امیر تیمور گفتند و صحیح گفتند هر ملتی در موقع هجوم از خود دفاع خواهد کرد همانطور که یونان و فنلاند در جنگ گذشته بشدت از خود دفاع کردند و کشور غالب بآن ملت مغلوبی که برای او حیثیت و حمایت قیمت های محصولات کشاورزی وجود دارد اما با این بودجه ضعیف مامکن نیست مانع است مورد بی مهری همسایه محترم خود دولت شوروی قرار بگیرد و اکنون هم این بی مهری آغاز شده است ما باید از نظر تجارت طوری آماده باشیم که اگر دولت شوروی نتوانست با ما معاملات تجارتي کند محصولات ما از قبیل برنج و نوتون و پنبه در دست ما باقی ماند و بتوانیم آنرا بیازارهای دنیا برسانیم در سر باید مختلف دولت آمریکا نوتون تر کبه در آلمان فروش میرفت خانم گریبی بیارچه های یونانی را در آمریکا میفروخت. ما باید يك برنامه فعالیت اقتصادی تولیدی در کشور آغاز و اجرا کنیم و این يك بانک ساختمانی داریم که در تمام کشور برای مردم خانه بسازد و باید سرمایه کافی باین بانک بدیم داشته خانه برای مردم اولین پایه سرمایه زنده گن است. ما باید وضع کار گران را بهتر کنیم بهداشت آنها باید تأمین گردد باید آنها را تأمین مزدی داده شود که زندگی آنها را تأمین کند و این یکی از مهم ترین مسئله ایست که باید بآن توجه نمایم. ما برای اینکه در سالهای بعد محتاج نباشیم که از خارج روغن خوراکی و یا گوشت وارد کنیم باید توجه خاصی بدفع آفات حیوانی

در کشور خود در نتیجه مساعدت خارجی شده است که اگر این کمکها نباشد آن اصلاحات از قدرت مالی بر آنها خارج بود. حالا آنها رؤسایشان مگر خائند مگر مردمی که نظر دادند به نظر دادند پس بنابراین این مسائل را هیچ کسی حق ندارد ایراد بگیرد برای این که ملت ترك ملتی است وطن پرست و شخص دانه است که باید از آن راه برود و همیشه استوار و دفاع کرده بنابراین خواستم عرض کنم که بیمان الحاق چیزی نیست حضور شاعر گرا و اردو بیمان میشوند وطن پرستند و ما باید این حرفها تبلیغات مسوم کنیم است و باید جواب داده شود اگر امروز در ترکیه وضع اقتصادی خوب نیست علل آن مربوط بدیده مطالعه کافی در امر اقتصادی دانشی بود و وقتی که مراحل را در اصلاح اوضاع اقتصادی طی کرده باشد باسانی میتوانند نوا تن را اصلاح کنند. ترکیه وضع کشاورزی خود را اصلاح کرد و این يك مرتبیت عظیمی برای هر کشوری است بنابراین باید طوری عمل کرد که عقائد و افکار عمومی مردم بآن پشتیبان این همکاری بین المللی باشد و مردم ایران بفهمند که دفاع از کشور هر روزی که کشور مورد هجوم قرار گیرد ضروری و وظیفه است و آن چه که بر سر دنیا آید بر سر ما هم خواهد آمد اما این همکاری بین المللی مفید بحال کشور خواهد بود و اوضاع اقتصادی یعنی زندگی مردم و وضع مملکت بهتر خواهد شد. این بود مطالبی که من لازم می دانستم در این موقع بنا بر وظیفه اظهار کرده ام. بدیم و بخوایم و مطالبه کنیم و دولت نباید در این مورد مستی و ضعف بخرج بدیم بهمین جهت است که مجلس باید همیشه قوی باشد تا بتواند با خارجی صریح و واضح صحبت کند و آنهایی که سعی در ضعیف کردن مجلس میکنند مرتکب خیانت میشوند. از آن طرف ما باید در نظر بگیریم و خارجی ها هم در نظر بگیرند که مردم ایران باید حقیقتاً قانع شوند و بفهمند که این الحاق بییمان دفاعی اولاً ضرر ندارد و ثانیاً نفع دارد و لااقل نفع اقتصادی دارد تمام مردم بآن عقیده پیدا کنند اگر مردم صمیمانه موافق و معتقد شدند آنوقت است که ارزش واقعی میان زیاد خواهد بود برای مثال ترکیه را میگویم. ترکیه داخل در همکاری بین المللی برای دفاع شده و این دولت فعلی یعنی دولت حزب دمokrat دولتی است که در زمان زمامداری حزب مخالف خود انتخابات را برد و از ما را بدست گرفت پس اکثریت ملت ترك پشتیبان دولت خود هستند و ملت ترك صمیمانه داخل در این همکاری های بین المللی میشود و شد را اگر امروز دولت ترك بخواهد رویه خود را عوض کند و از این همکاری ها خارج شود ملت ترك موافقت نخواهد کرد دلیلش این است که ملت ترك از این همکاری بین المللی فائده دیده و ترکیه موفق با اصلاحاتی

جنوب هستند که حتی ما هم از سر برد بخورند و علف میخورند باید برای اینها فکری کرد دیروز یکی از آقایان میگفت که در يك قسمت از بلوچستان بودیم یکی از نامورین دوات رئیس راه بود و با رئیس راه تلگراف بودند ما هم فوراً خوشی داشت آقای رخشان میگفت در يك حیاطی مقداری علف داشت اهالی بلوچستان یا کرمان بود یادم نیست آمدند گفتند آقا اجازه دهنظری بدید گفتیم علف چرچست گفت رسم این است که در بهار که علف در در میاید چون مردم در کرمان و بلوچستان غنای ندارند بخورند اینها تقاضای علفچری میکنند یعنی در باغ و باغچه اشخاصی که علف میروند آنها میآیند علف را بخورند آن مستشار آمریکائی ماوراء بنجار که آقای دکتر جزایری حاضر تعالی او را میشناسید مستشار ماوراء بنجار که آمده بود بعنوان مستشار فرهنگی این با خود من در آن موقع که صحبت میکرد برای امور اقتصادی گفت بمجلات آمریکائی نوشته که در بلوچستان و زاهدان و کرمان و آنجا وقتی که حیوانات مدفوع میاندازند مردم گرسنه زنها و بچه ها که بخورند (عمیدی نوری - این چه چیزی است که میگویند زخرف گفته آن آمریکائی هر چه که آمریکائی میگوید درست نیست) اینها مسائلی نیست که بد آئین داشته باشد برخورد داشته باشد ملتی که حاضر میشود با این فقر و بدبختی و با این حال و پیریشانی برای دفاع از خودش برای دفاع مشترک هم کاری کند باید باین ملت کمک بکنند من این حرفها را که اینجامیزم دروغ نیست رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - چون دو نفر از نمایندگان دولت حضور دارند لازم میدانم يك موضوعی را قبل بگویم که ما از تجربه گذشته مان باید رویه ای اتخاذ کنیم که در آتی گرفتار نشویم موقع جنگ بین المللی دوم که آقایان همه انهای ناخوانده وارد مملکت ما شدند و بعد دولت های وقت مصلحت دانستند که ما با یکدیگر تشریک مساعی کنیم و ما وارد در صف آقایان ایران جنگ شدیم که اعلان جنگی هم دولت ایران نظر نیست به مضامین روس و انگلیس دادروزی آن کار يك حسابهایی با متفقین پیدا کردیم محصول بردن مروض شدند و بشاد که بعد ما بدهند که هنوز بقایای آن قرض حسابش تصفیه نشده است و خیلی در این موضوع بحث شده که ما طلاهایمان چه شد دلارمان چه شد در نتیجه رفقت و دوستی ما طلبکار شدیم آنها مقروض شدند ولی حساب قرضمان هنوز معطل ماند این درس گذشته برای آتی باید تجربه ای ایجاد کرده باشد با این متفقین که آقایان دیروز و پریروز بهشان رأی دادید ما برادریم رفیقیم دوستیم ولی خواهش میکنم که حساب



مقصودمان را اصلاح است، حبله شرعی کتایب کرد راه حلی باید پایش پیدا کنیم (صارمی) بدون افزایش زمینها اول افزایش میکنند (بنده همان افزایش را اگر حوصله بفرمائید میگویم بهر حال این اشکال درین است در وضع این قانون ما باید طوری توجه کنیم که اشکال فرضی نداشته باشیم البته این کار راه حل دارد بنده عرضی نکردم این کار لا ینحل است ولی راه حلش بعقیده بنده متوسل بصدقه صلح یا از این قبیل نیست و این صدیق نیست زیرا منظور قانون گذاران این بوده است که اگر یک کسی ۳ دانگ یک ملک را مالک است ۳ دانگ است و هر آینه ملک خود را خواست بفروشد شریک او در خرید تقدم دارد حالا صحبت الفاضل که نیست معنی و روح قانون اینست که ما برای یک شریک حق تقدم قائل بشویم و آقایان موافقت که راه حلی پیدا بشود (حمید بغیرتیار مگر مخالف با تقسیم هستند) بنده آقای بختیار مخالف با تقسیم نیستم ولی باید راه حلی داشته باشد درست است که بنده هیچ مالکی ندارم و اعتراض و اظهار نظر مال کسی است که ملک داشته باشد والا مخلص که ملک ندارد مان خالق اله است (حمید بغیرتیار عرضش بنده دارم) استدعا میکنم در تقسیم پیشقدم شویم بهر حال بنده تصور میکنم که آقایان سر قنظر بفرمایند از اینکه صدقه معامله را عوض کنند باندیک راه حلی پیدا کنند که اشکال شرعی هم نداشته باشد (چند نفر از نمایندگان پیشنهاد کردند) پیشنهاد میکنم بلاما بنده اصولاً این را صحیح میدانم از نظر عملی برای اینکه اگر یک ملک مشاع بود اگر بخوایم بقضعات تقسیم کنیم تا افزایش نشود این کار عملی نیست یعنی اصولاً ملک مشاع نمی تواند بقضعات تقسیم شود و بقضعات ۱۰ جریب و ۲۰ جریب تقسیم کنیم و بعد بفرشیم این عملاً نایک ملک افزایش نشود اشکال دارد (صارمی) قبلاً افزایش میشود افزایش قطعاتی گفته شده نه افزایش دانگی و ۶ دانگی (صارمی) در تبصره ماده ۴ پیش بینی شده است کدام تبصره؟ (صارمی) ماده ۴ یک تبصره بیشتر ندارد وزارت کشاورزی میتواند در مواردیکه لازم بداند نسبت با افزایش ۱۰ داشته است میتواند باید الزامی باشد باید در ماده ۳ قید شود اول افزایش بشود و بعد بقضعات تقسیم گردد بنا بر این بعقیده بنده این مورد در قانون مدنی تطبیق میکند و نه قابل عمل است و اگر هم عملی بشود بعقیده بنده باز یک زحمتی برای آن مالک دودانگی ایجاد میگردد آقایان نمایندگان معترض که قصد از افزایش کشاورزان دارند هیچ وجه نظری ندارند که مالک یکدانگ یا دو دانگ در مضيقه بفتد برای این که اگر یک ملک یکدانگ

با دودانگ را بقضعات تقسیم کنید آن مالک یک یا دو دانگ معافا باید بدو برود تازه واش نمیکند یک چیز دستی هم از او میخوانند بنا بر این بنده از اجازت صاحت تصویب این قانون و از اجازت رعایا للصلحت پیشنهاد میکنم که دولت باید در ماده ۳ طبق پیشنهادی که جناب آقای صدرزاده کرده اند اول موظف باشند که ملک را افزایش کنند و بعد افزایش در مقام قطعه بندی بر آید (صدیق است) والا اگر خواسته باشند قبل از افزایش دست باین عمل بزنند صدیق است اگر بگویند در تبصره ماده ۴ هست مطلب دوتا است یکی ماده ۳ است و یکی هم تبصره افزایش این مطلب از هم مجزا است (مشایخی) مقصود این ماده هم همین است خوب اگر مقصود در این ماده صدیق باشد و روشن بشود بطوریکه برای وزارت کشاورزی محظوری ایجاد نکند چه بهتر والا در تبصره ماده ۴ هم میگوید که وزارت کشاورزی میتواند بفرماید ندارد ممکن است بگویند حالا مصلحت نمیدانند مقتضی نیست این ابهام باقی میماند و ماده ۳ را باین شکل اجرا میکنند بدون در نظر گرفتن این امر در خود ماده (مشایخی) بدون افزایش غیر ممکن است (بنده هم همین را عرض کردم که قانون مهم است ممکن است آقایان همین نظر را داشته باشند و این ابهام در ضمن عمل تولید زحمت میکند و هم خلاف قانون مدنی است و حق یک مالکی را مادر ضمن تقسیم و فروش اراضی نباید از بین ببریم این در صورتی است که قابل افزایش باشد چکار باید کرد دوشق دارد یک ملک ممکن است شش دانگ باشد پنج دانگ و نیمی مال دولت باشد بنده دانگ مال یک نفر دیگر این شخص چکار خواهد کرد؟ زیرا نیم دانگ از ملکش دانگ قابل افزایش نیست (صارمی) هست عرض کردم ممکن است نمیگویم مجال است زیرا ممکن است یک ملک مشاعی وضعیت خصوصیتش طوری باشد که ممکن نباشد افزایش شود در املاک از این پیش آمده خیلی زیاد است دودانگ و سه دانگ خیلی سهل است در نیم دانگ سهل نیست اگر بخوایم افزایش کنیم آنوقت مالک نیم دانگ باید ملکش را ول کند و برود اگر هم بخواید افزایش کند آنوقت بشکل بر میخورد بنا بر این راه حلش این است که اگر یک کسی نیم دانگ ملک دارد حالا باید ارزش خرید یا با یک وضع دیگری که آقای وزیر کشاورزی بهتر میتوانند پیش بینی کنند برای مالک نیم دانگ وضع او را روشن کنند مالک نیم دانگ هم حتماً جزو رعایا خواهد بود برای اینکه نیم دانگ ملک چیزی نیست که بعنوان مالک تلقی بشود بنا بر این نباید مالک این نیم دانگ را بزحمت انداخت که ملک را ول

کند و برود برای او هم باید فکری بشود که اگر جایی قابل افزایش نبود چطور بشود و با افزایش طوری بود که مالک دو دانگی بکلی وضعش از بین میبرد این قسمت ها را عملاً استعدا میکنم از آقای وزیر کشاورزی دقت بفرمائید تا در عین اینکه بخوانند کمک بکنند یک عمده ای عمده دیگری را دچار زحمت نکنند مقصود من از این بیان تذکری بود والا در اصل تقسیم اراضی بشرطی که بققوق حقه دیگران مزاحمتی ایجاد نکنند و باعث تشویق رعایا بپرداختن بهره مالکانه و یا تشویق بنابرین حقوق رعیت شده است و راجع معترض هم شناخته شده است و اجرای ماده ۸۰۸ قانون مدنی در این ماده مقصود این است که اگر چیزی از یک ملک متعلق بیک شخصی بود مادامی که افزایش بین دولت یعنی خالصه و آن مالک نشده باشد اساساً قابل تقسیم بصدی بقضعات نیست زیرا اگر بخوایم بقضعات تقسیم کنیم چون یک چیزش متعلق بملک خاصی است نمیشود تقسیم کرد بنا بر این افزایش مورد توجه بوده است و منطبق با ماده ۸۰۸ قانون مدنی هم بوده است و همینطور که تذکر دادند چون موضوع حق شفعه از اصول مقدسه قانون اسلام است و مورد احترام همه است بهیچوجه من الوجوه قانون مصوبه ای که در مجلس شورای ملی مطرح است مزاحمتی با قانون مدنی و قانون شرع نخواهد داشت

**رئیس** - آقای صفائی اینجا صحبتتان را کردید آنجا دیگر صحبتی نکنید

**مخبر** - ماده ۸۰۸ قانون مدنی ناظر بر اینست که اگر مال غیر منقول مشاعی بین دو نفر مشترک بود و یکی از دو نفر شرکای مشاع خواست ملکش را بفروشد شریک دیگر حق تقدم دارد اولاً جناب آقای صفائی منظور جنابعالی در ماده ۳ صدر در صد پیش بینی شده ولی خواستم عرض کنم که قانون مدنی هم یک قانون عادی است و اگر فرض کنیم بر طبق این قانون خالصات یا قانون دیگر موضوعی مورد توجه مجلس شورای ملی واقع شود که مخالف قوانین قبلی باشد از نظر قانون گذاری یعنی منظور نخواهد بود (صفا) نه آقا برخلاف قانون شرع است قانون مدنی را عرض کردم، قانون اسلام معترض و مقدس است و هیچ قدرتی و مصوبات مجلس شورای ملی نمیتواند مخالف قانون اسلام باشد بنا بر این با توجه باین مطالب خواستم عرض کنم که دو موضوع در وضع این قانون و ماده ۳ آن مورد توجه واقع شده است مطلب اساسی در تقسیم خالصات ایجاد خرده مالک است و در تنظیم قانون فروش خالصات این موضوع بیش از هر چیز دیگر مورد توجه واقع شده است که بوسیله تقسیم خالصات زارعین و کشاورزان محلی دارای علاقه و آب و خاک بشوند که بالنتیجه علاقه آنها بکشور و آبادی ملک زبادت تر بشود که بهره برداری و عمران کمک بشود این اصل منظور از تقسیم فروش خالصات است که سطح تولید و قدرت تولید ترقی کند و در عین حال کشاورزان هم دارای ملک باشند در ماده ۳ پیش بینی شده است که املاک خالصه

پس از تعیین قیمت عادلانه بین کشاورزان محلی تقسیم شود همانطور که آقایان توجه دارند اگر در یک ملک خالصه ای مشاعاً شخصی شریک هست نباید تا دیده گرفت همانطور که رعایا هم در املاک خالصه فداکاریهائی کرده اند زحمتی کشیده اند خاشاک داده اند کود داده اند و همین جهت است در این قانون پیش بینی شده که در درجه اول پس از افزایش خالصه بین کشاورزانی که با مسر کشاورزی در آن محل اشتغال دارند فروخته خواهد شد بنابرین حقوق رعیت هم معترض است و معترض هم شناخته شده است و اجرای ماده ۸۰۸ قانون مدنی در این ماده مقصود این است که اگر چیزی از یک ملک متعلق بیک شخصی بود مادامی که افزایش بین دولت یعنی خالصه و آن مالک نشده باشد اساساً قابل تقسیم بصدی بقضعات نیست زیرا اگر بخوایم بقضعات تقسیم کنیم چون یک چیزش متعلق بملک خاصی است نمیشود تقسیم کرد بنا بر این افزایش مورد توجه بوده است و منطبق با ماده ۸۰۸ قانون مدنی هم بوده است و همینطور که تذکر دادند چون موضوع حق شفعه از اصول مقدسه قانون اسلام است و مورد احترام همه است بهیچوجه من الوجوه قانون مصوبه ای که در مجلس شورای ملی مطرح است مزاحمتی با قانون مدنی و قانون شرع نخواهد داشت

**رئیس** - کسی بعنوان موافق اسم نوشته (عیسی نوری) بنده موافقم بفرمائید

**عمید نوری** - بنده عقیده دارم این کلبه ای که جناب آقای صفائی از نظر حق شفعه فرمودند البته یکی از مواد قانون مدنی است و مبانی قوی هم مؤید آن است ولی البته قانون مدنی یک قانون عادی است و یک ماده ای هم داریم که بطور کلی در آنجا این بیان هست که اگر در ملک که شریک باشند و معامله ای خواست بشود شریک آن ملک حق شفعه دارد در صورت بیع و بهیمن جهت است که در اغلب معاملات برای احتراز از این معاملات بصدیق صلح معاملات را جاری میکنند و در دفاتر رسمی می نویسند و یکی از شرایط دیگر این است که باید شریک باشند در ماده ۳ چنین قیدی نیست و میگوید در قراء و مزارعی که بیش از نصف متعلق بدولت و خالصه باشد هیچ حکم نکرده بر این که نصف کمتر باشد یعنی سه دانگی یا دودانگی یک مالک است یا دو مالک است، آقایان نمایندگان اغلب مستحضر هستند که قراء شش دانگی ممکن است مالکین متعدد داشته باشند هیچوقت حتماً دوتا مالک ندارد که فرض این باشد سه دانگ مال خالصه باشد و سه دانگ دیگر نام قبند و اینجاست شده کمیسیونهای

امکان دارد که مال یک نفر باشد هم امکان دارد و هم امکان ندارد و بهیمن جهت است که میشود گفت خالصه ای که بیش از ۳ دانگ را دولت مالک است ما این ترتیب را برایش مقرر می داریم ضمناً توجه آقایان محظوف باین نکته باشد که ما یک اصل بر اینست کلی را برای مملکت نمیخواهیم پیش بگیریم و آن این است که میگوئیم تقسیم خالصات یعنی ما میخواهیم خرده مالک ایجاد کنیم یعنی ما میخواهیم یک قدم بر زمین بسوی این فکری که مالک مشرفی عمل میکنند مالکیت عمده را ناحی ببریم بر صورتی که عملی هم باشد روی خرده مالک خرده مالک ایجاد کنیم اگر مقصود این است پس آن حق شفعه و آن ماده قانون مدنی را در خالصات اگر بخوایم تشریح بکنیم بگفتنی که آقای صفائی فرمودند ما بکنی عدول میکنیم و منصرف میشویم از موضوع حقیقی این قانون یعنی بجای اینکه ما خرده مالک ایجاد کنیم عمده مالک درست میکنیم یعنی اگر یک کسی مالک ۳ دانگ یا دو دانگ در ملک بود فرض هم این بود که دو شریک باشند یکی خالصه و یکی مالک دو دانگ و میخواهیم این را بصورت حق شفعه اجرا کنیم و این دو دانگ را هم بار بدهیم درست نقش غرض خواهد بود بجای اینکه تقسیم کرده باشیم خالصه را، تکثیر کرده ایم عمده مالک را و این برخلاف اصلی است که در نظر داریم با این جهت است که بنده موافق نیستم که این مطلب باین ورت که مطرح شده عمل شود، همینطور که گفته شد بنده هم پیشنهاد داده ام که بجای قطعه بندی مقدمه گفته شود اول افزایش و بعد قطعه بندی و مخصوصاً بنده معتقدم که موضوع افزایش را که جناب آقای صدر زاده هم توجه فرموده اند و پیشنهاد داده اند بزوار کمیسیون باشد چون خود بنده و کیل عدلیه هستم آقای صدر زاده هم و این عدلیه هستند میدانند موضوع دعوی افزایش ممکن است در عدلیه ده سال طول بکشد ما اگر بخوایم بگفتنی عادی این کار افزایش املاک خالصه را عمل کنیم لازمه اش اینست که دولت اول عرض حال بنده بصلحه بعد برود با استیفاء و تیزو این گرفتاری و بعد گرفتاری کارشناس کارشناس بیاید باقره کشیده بشود و ممکن است افزایش شریک از این املاک ده سال طول بکشد با اینجهت بنده پیشنهاد داده همین کمیسیونهایی که اینجا دستور داده شده و این نامه آن باید تنظیم شود خود این موجود نیست تمام شهرستانها یک چند دانشگاه تربیت شیراز مشهد و قزوستان در آنجا وجود دارد و اراضی مناسب برای تأسیس دانشگاه نیست مخصوصاً دانشگاه کشاورزی که محتاج اراضی زیادتری است که عمل بشود در آنجا و مورد آزمایش قرار بگیرد که بالنتیجه منافع آنهم عاید

که اعضاء و ترتیب کار و تشکیل و وظایف آنها در آیین نامه تعیین میشود این مراتب را باید در آیین نامه قید کنیم و خود این کمیسیونها صلاحیت داشته باشند که با تراضی و توافق همانطور که فرمودید البته مورد قبول شریک هم باشد آنرا افزایش کنیم والا اگر ما بخوایم روی آن قاعده برویم متأسفانه نمیتوانیم این قانون را اجرا کنیم و این زحمتی که میکنیم نتیجه عملی نخواهد داشت اینست که بنده با تنظیم این ماده موافق هستم فقط عقیده دارم اصلاحی لازم است که آنرا هم بنده پیشنهاد داده ام و آقایان هم پیشنهاد داده اند

**رئیس** - آقای نقابت (گفته شد نیستند) آقای صارمی مخالفند؟ (صارمی) تغییر پیشنهادی داده ام کسی دیگر اجازه درخواست پیشنهادها قرائت میشود پیشنهاد آقای صارمی (بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد مینمایم تبصره زیر بماده قانون خالصات اضافه شود: تبصره - دولت مکلف است در نقاطی که اراضی خالصه متناسب برای ایجاد و ساختمان دانشگاه و دانشگاههای موجود در شهرستانها وجود ندارد اراضی مورد احتیاج دانشگاه و دانشگاههای مزبور را ارز یابی و با مالک خالصه ای که طبق این قانون بکشاورزان محلی منتقل می شود تعویض نماید. صارمی

**رئیس** بفرمائید توضیح بدهید ولی اذیت کنید پیشنهادهایی که میشود با فروش خالصات تناسب داشته باشد.

**صارمی** - دقت کرده ام در این قانون پیش بینی شده که اراضی مورد احتیاج وزارت فرهنگ و وزارت بهداشتی پروستات مزبور و گذار شود و همینطور پیش بینی شده است که یک مقداری از اراضی کرج پدانشکده کشاورزی منتقل شود مؤسسات فرهنگی در مرز می توانند از این قانون استفاده کنند که در آن جایی که مورد احتیاجشان هست زمین خالصه وجود داشته باشد بسیاری از این چند دانشگاه ای که در ولایات در حال حاضر موجود است و تأسیس شده است احتیاج ندارد که یک اراضی داشته باشد برای تأسیس ساختمان دانشگاه و دانشگاه متأسفانه در آن نقاط اراضی متناسب خالصه وجود ندارد و اعتبار مکتفی هم برای اینست که بتوانند اراضی را خریداری کنند در دانشگاه وجود بیابورند در بروج و وزارت فرهنگ موجود نیست تمام شهرستانها یک چند دانشگاه تربیت شیراز مشهد و قزوستان در آنجا وجود دارد و اراضی مناسب برای تأسیس دانشگاه نیست مخصوصاً دانشگاه کشاورزی که محتاج اراضی زیادتری است که عمل بشود در آنجا و مورد آزمایش قرار بگیرد که بالنتیجه منافع آنهم عاید

کشاورزان خواهد شد بنده پیشنهاد کرده ام در نقاطی که دانشگاه وجود دارد نه در آتیه که مواج با اشکال بشویم پیشنهاد کرد در شهرستانهایی که دانشگاه موجود است هر جا اراضی متناسب خالصه وجود نداشته باشد بتوانند اراضی لازم را تهیه کنند و آن اراضی با املاک خالصه ای که بین کشاورزان تقسیم نمیشود تعویض شود باین معنی که عملی انجام بدهیم که کجا تقسیم اراضی و فروش بخرده مالک هم صدمه ای وارد نشود املاکی که بخرده مالکین فروخته نمیشود بشنوند موضوع واقع شوند در مقابل خرید زمین برای مؤسسات دانشگاههای موجود (صحیح است) با این قانون هم هیچ تبانی ندارد برای اینکه ما داریم املاک مزروعی را تقسیم میکنیم بین کشاورزان و باین ترتیب توانسته ایم یک کمکی بمؤسسات فرهنگی و بدانشگاهها در شهرستانها میکنیم و چون پول ندارند عرض راهم میتوانیم از املاک خالصه بدهیم و گران کار را بکنیم بطور قطع و یقین در آتیه دانشگاههای ولایات هم صاحب اراضی که مناسب آنها باشد خواهند شد و با اینجهت است که امیدواریم نمایندگان محترم شهرستانها هم توجه بفرمایند و لطف بکنند تا اینکه دانشگاه های ولایات هم صاحب یک مستقل و اراضی متناسب و ساختمان متناسب برای دانشگاه بشود و نهایت ضرورت راهم دارد (سلطانی)

**رئیس** بفرمائید توضیح بدهید ولی اذیت کنید پیشنهادهایی که میشود با فروش خالصات تناسب داشته باشد.

**رئیس** - آقای مهدوی

**سعید مهدوی** - این پیشنهاد آقای صارمی بسیار خوب است که کمکی به دانشگاههای شهرستانها بشود ولی خیال میکنم موردی برای آن در این قانون خالصات در شهرستانها نتوانیم پیدا کنیم (سلطانی) - چرا هست آقا املاک خالصه املاکی است که رحمت در آن ساکن است و باید مطابق این قانون تقسیم شود اما زمینهایی که قابل تقسیم بین رعایا نباشد آن زمین هم مسلماً ارزش مساوی را ندارد برای دانشگاه متناسب نخواهد بود (صارمی) مستغلات بنظر منده اگر زمین موردی پیدا شود خیلی بهتر است مورد دیگری برای کمک بدانشکده پیدا کنیم والا بنده تقاضا میکنم که یک شیوهی برای این پیدا کنیم که بهتر ترتیب باشد که این قانون وقتی که تصویب شد در اراضی معوق باشد (صارمی) اراضی که تقسیم نمیشود مثل مستغلات در شهرستانها خانه ها و کبابی (سلطانی) - در این پیشنهاد موافقت قیام فرمائید (عده کمی برخاستند) تصویب نشد پیشنهاد دیگری قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد مینمایم ماده ۳ قانون فروش خالصات بشرح زیر اصلاح گردد: ماده ۳ - خالصات دایر و مزروعی پس از افزایش با توجه به مقدار آب و خاک و استعداد و موقعیت مشور رعایت آبادی و مرغوبیت زمین و پیش بینی نقشه برداری شده و بوسیله کمیسیونهایی که اعضاء و ترتیب کار و تشکیل و وظایف آنها در

**رئیس** - توجه بفرمائید مجدداً این پیشنهاد قرائت شود (مجدداً بشرح سابق قرائت شد)

**رئیس** - آقای وزیر کشاورزی (طالبانی) پیشنهادی که قرائت شد با آنچه که عرض آقایان محترم رسید یک مختصری فرق دارد البته اگر اراضی باشد که بین کشاورزان قسمت نمیشود و دولت میخواهد بزمایده بفرشد اصولاً بنده حرفی ندارم که بعنوان کمک داده شود به دانشگاهها و توجه آقایان را جلب میکنم قسمت دوم ماده ۱۰ که در آنجا گفته شده برای مزارع نمونه و تأسیسات کشاورزی در نقاطی که وزارت کشاورزی لازم بداند بنا بر این اگر مقصود تأسیسات دانشگاه کشاورزی است که تأمین شده و اگر سایر دانشگاهها باشد که الان مایک دوتا بیشتر نداریم و آنها هم احتیاجی اراضی ندارند و فقط دانشگاه کشاورزی است که احتیاج اراضی دارد و آنهم تأمین شده است اگر نظر نماینده محترم این باشد که باین پیشنهاد موافقت شود بدون موافقت دولت بشود یعنی نمیشود بدون موافقت دولت باشد و آنهم تأمین شده است.

آئین نامه تعیین میشود قطعه بندی شده و پس از تعیین قیمت عادلانه بوسیله ارزیابان رسمی میان کشاورزانیکه در محل شخصاً مستقیماً یا مرفح فلاحت اشتغال دارند قرعه کشی و بدون رعایت تشریفات مزایده حداکثر در هر آیش برای اراضی آبی ده هکتار و برای اراضی دیسی ۱۵ هکتار با قسط ۲۰ ساله بآنها فروخته شود. **رئیس - آقای سارمی**

**صارمی -** پیشنهادی که بنده تقدیم کردم تقریباً یک حدف جمله ای است از ماده ۳ که اینجا نوشته شده است باین معنی که در ماده ۳ مصوب کمیسیون دارائی گفته شده است در قراء و مزایعی که بیش از نصف متعلق بدولت و خاصه باشد نسبت بقسمت خالصه با توجه بمقدار آب الی آخر تقسیم میشود در مجلس سنا لایحه ای که گذشته جمله بیش از نصف قید شده است و گفته است خالصجات دائر و مزروعی مغروز با توجه بقدر آب فروخته شود یعنی چنانچه ملکی کتر از سه دانگ هم باشد بهمان ترتیب تقسیم شود بین رعایا و معنا ندارد ما بگوئیم تا سه دانگ بین رعایا تقسیم بشود و اگر کمتر از ۳ دانگ باشد بین رعایا تقسیم نشود و فروخته نشود چون نظر اصلی از وضع این قانون اینست که کلیه املاک خالصه بکشاورزان معالی که در آنجا مشغول زراعت هستند فروخته شود و اختصاص دادن باین امر که املاکی که بیش از ۳ دانگ باشد معنی ندارد بنابراین پیشنهادی که بنده کرده ام اینست که در ماده ۳ جمله ای که نوشته (بیش از نصف متعلق بدولت است) حذف شود و بطور کلی کلیه املاک خالصه متعلق بدولت که بصورت مشاع است مغروز شده و بین رعایا تقسیم بشود و اگر بخواهیم بآنچه که در کمیسیون دارائی تصویب شده رأی بدیم نتیجه اینست که مقدار زیادی از املاک خالصه را که کمتر از ۳ دانگ متعلق بدولت است آنها را آنگهی مزایده صادر کنیم و با شغاس متمکنی که پول دارند و بفروشیم و برخلاف نظر اصلی ملک عمده را زیاد کنیم نه اینکه خرده مالک را زیاد کنیم و اگر بخواهیم دودانگ را مغروز کنیم و بفروشیم فکر میکنم بمصلحت نیست که در این وضع و در این وقت ما قانونی بگذاریم که بصره یک عده متمکن و پولدار باشد و بسیاری ساده است که بگوئید املاک خالصه خوب اداره نشده وقتی هم میخواهند بفروشند می آیند روی منافع و عوائد ملک ارزیابی میکنند و می فروشند با شخصی که پول دارند و در آتی میتوانند املاک بسیار خوبی تهیه کنند برای خودشان و بگذارید افراد بی پول رعایای بیچاره و فقیری که در آنجا زراعت میکنند از اینجا انتفاع بهره ببرند و ارتباط پیدا نکنند با شخصی که دارای پول هستند مبادرت دیگر عمده مالک را زیاد نکنیم و نظر اصلی

که نظر علیحضرت اقدس شاهنشاهی است ما بتوانیم خرده مالک را زیاد کنیم و آنها را نسبت بزمین علاقمند سازیم تا این رعایا علاقه پیدا بکنند بآنچائی که زندگانی میکنند و نتیجه دسترنجان هم عاید خودشان بشود و بالاخره سطح تولید هم بالا برود و سطح درآمد رعایا هم زیاد بشود (داراب-افرازش ده سال طول میکشد) بکنند، ده سال طول بکشد بنابراین جمله ای که آنجا قید شده بود که بیشتر از نصف باشد حذف میشود خالصجات دائر و مزروعی پس از افرازش یعنی عین ماده ایست که در مجلس سنا تصویب شده است یعنی جناب آقای صدرزاده این عین پیشنهادی است که تقریباً حضرت مستطاب عالی کرده اند در اینجا هم منعکس است.

**رئیس - آقای بهر**

**مخبر کمیسیون دارائی (مشایخی) -** این پیشنهاد جناب آقای سارمی از نظر کلیات این قانون بتمام معنی منطقی است یعنی چون منظور این است که خرده مالک ایجاد بشود و مقصود این است که کلیه املاک خالصه بکشاورزان معالی فروخته شود نه بشهر نشینان اصولاً با پیشنهاد جناب عالی موافقت منتهی خواستم توجهتان را جلب کنم که یک راه حل پیدا بکنیم ما دو ماده داریم یکی ماده سه است که در اینجا ایشان میفرمایند مطلق خالصجات مغروز شده فروخته شود بدماده ۴ داریم که در آنجا پیش بینی شده است که خالصجات کمتر از ۳ دانگ بطور مزایده فروخته شود اگر این ماده را تصویب کنیم علامه چهار حذف میشود (صارمی-حذف بشود) اجازه بفرمائید تفسیر میکنم توجه بفرمائید بنده خواستم عرض کنم اگر فرض بفرمائید که یک خالصه ای پنج دانگ و نیم ملک اربابی باشد و نیم دانگش خالصه باشد باز هم مصلحت هست؟ (صارمی- بله، بله) اجازه بفرمائید بنده موافقم با این پیشنهاد میخواهم مطلب روشنتر بشود اگر فرض بفرمائید یک ملکی چند شمشیر متعلق بدولت باشد اما مصلحت است که این چند شمشیر را هم مغروز کنیم و بعد در مورد قنات به باید کرد بالاخره در املاک قنوتی است آقایان توجه کنید (همهها نمایندگان) (زنک رئیس)

**رئیس - آقایان** ساکت باشید چرا همه میکنند.

**مشایخی -** موقع خیلی حساس است مستلزم عطف توجه آقایان است اگر یک جزئی از ملک اربابی متعلق بدولت باشد بخواهیم افرازش کنیم نظر اینست که زمینش را مغروز میکنیم اشکالی ندارد اما توجه بفرمائید که موضوع قنات ایجاد اشکال میکند فرض کنید یک سهم از چند سهم یک ملک خالصه

است بنا بر این این ملک را مغروز کنیم در یک قناتی ۹۹ سهم مال اشخاص و یک سهم مال خالصه است این تولید اشکال و زحمت میکند باین جهت خواستم عرض کنم بگوئیم املاکی که حد اقل یک دانگ متعلق بدولت است و ده دانگ ملک اربابی است افرازش و تقسیم را در آنجا عمل کنیم ولی اگر خالصه سهم کمتر از یک دانگ بوده تصور میکنم مصلحت نباشد (درخشش- مصلحت مالک نیست ولی مصلحت کشاورزان هست)

**رئیس -** پیشنهاد مجدداً قرائت میشود توجه بفرمائید (شرح سابق خوانده شد) آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام کنند (اکثر بر خاستند) تصویب شد.

پیشنهاد دیگری قرائت شود.

(پیشنهاد آقای دکتر شاهرار شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورایی پیشنهاد مینمایم بصره زیر بماده ۳ قانون تقسیم خالصجات اضافه شود: شهرستانهایی که کسری گوشت و لبنیات مورد احتیاج خود را از شهرهای دیگر تأمین مینمایند از پرداخت حق المرتع و عوارض علفچر بدولت معافند. **رئیس - آقای** دکتر محمد شاهرار را اگر بفروشد دیگر مرتعی نیست (جلیلی) مرتع را نمیفروشند)

**دکتر شاهرار -** آقایان همکاران معترم و آقای دکتر مشیر فاطمی استدعا میکنم توجه بفرمائید این مطلب بیشتر مربوط است بشهرستانها یکی از برنامه های ما باید این باشد که سطح کشاورزی کشور بالا برود هر چه قدرت زراعت بالا برود نظر آقای درخشش هم تأمین خواهد شد یکی از اصول بالارفتن سطح کشاورزی قضیه تقویت دامپروری و نگاهداشتن اقلام واحشام است (صحیح است) در کشور ما بسیاری از شهرستانها هستند که کمبود گوشت خودشان را از شهرهای دیگر میآورند (مشایخی- مثل طهران) و عجب در اینست (کریبی- تهران هیچوقت سیر نمیشود) که آن شهرستانهایی که خودشان گوشت میفرستند از آنجا گرفته نمیشود و آن جاهایی که کمبود دارند از آنها عوارض علفچر گرفته میشود مثل بزرگ در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار گوسفند از قشقایها میآورند قشقایها نمیرد از آن بزرگها میگیرند همینطور است کاشان و همینطور است نائین و همینطور است خوزستان و همینطور است بسیاری از شهرهای بزرگ دیگر. پیشنهاد بنده این است که شهرستانهایی که کسری گوشت و لبنیات مورد احتیاج خود را از خارج تهیه

دریافت حق تعالیف اجازه باو نمیدهند چون ظرفیت این محل اینست که بیش از دوهزار گوسفند نمیتواند تعالیف کند اما مرتعی را مرتع نگرفتند یعنی آزادی عمل دادند باینکه هر جوان و هر کوسفند و هر گاو که بخواهد بتواند در این مرتع تعالیف کند یک هرج و مرجی ایجاد میشود و نتیجه این میشود که مراتع بهره برداری نشده هیچ بصورت خرابی هم در بیاید اگر مقصود شما این است که در یک شهرستان معینی فعال احجاف و تجاویزی بچقوق دسته ای دارند میکنند در جلسه قبل هم جناب آقای رئیس توجه فرمودند بهره های تصویب شد که در نقاطیکه دولت مرتع ندارد حق دریافت حق المرتع نخواهد داشت آن منظور بخصوبت ضمن تصویب آن بصره تأمین شده است و اما اگر مقصود این نیست بنظر من عدم دریافت حق المرتع یعنی ایجاد هرج و مرج و آنا روشی (سلطان مراد بختیار اینطور نیست) و بی نظمی در مراتع زیرا دریافت حق المرتع اگر مبلغ ناچیزی است حداقل این است که در یک مرتعی گوسفند نسبت استعداد آن مرتع میتواند تعالیف کند و مسلماً هر کس نمیتواند بیاید در آنجا مزاحمت ایجاد کند و قدر مسلم این است که الزاماً دلار که اوضاع و احوالش طوری است که اختلافاتی بین دولت و مردم از اجناس مالکیت هست ایجاد ناامنی میکند.

**رئیس -** آقای سلطان مراد بختیار که جناب عالی فرمودید یک اشکال مهمی دارد ممکن است در لاریه آقا سراغ دارید اینطور باشد اما در جاهای دیگر تمام این مملکت در آمد حق المرتعش در حدود یک میلیون تومان است ولی وزارت کشاورزی میباید یک مرتعی را اجازه میدهد فرض کنیم بده هزار تومان آن کس که اجازه میکنند نمیروند مرتع از گوسفند اجازه بگیرد بلکه میباید سر راه رامیگیرد هر کوسفند هر شتری که خواست رد بشود مسلماً از آنها چندین برابر میگیرد (مشایخی- جلویش را باید گرفت) اجازه بفرمائید جلویش را جور باید گرفت؟ جلویش را بوسیله مأمورین بگیرد هر چه قدر بیشتر بخواهد جلویش را برای اینکه در سال گذشته در اطراف اصفهان جناب آقای وزیر کشاورزی هم اطلاع دارند در آنجا یک املاکی هست که داده اند و نه درآمدی دارند این املاک را داده اند بده هزار تومان اجازه و تا اکنون مستأجر دوست هزار تومان مالیات از مردم وصول کرده اما اینکه فرمودند اگر این مراتع مال دولت نباشد مردم زیاد میروند اینطور نیست آن کس که الساعه مراقبت مراتع را میکند بطور تحقیق بدوین رود بایستی باید گفت اگر با ۵۰ تومان بدهند خیلی بیشتر راه میدهد تا وقتی که مال

دولت نباشد این است که برای یک میلیون تومان هر روز زود خورد مابین مردم واقع میشود و املاکی را هم که دولت مدعی مالکیت است مالکیت نیست بجهت اینکه هر جا را اجازه داده اند بهره از این نیست که با آن سر آمدند بقرعیه دولت عرضحال داده اند باینکه گفته اند نتوانستند بهره مالکانه را جمع آوری کنند در این هیچ تردیدی نیست استدعا میکنم که آقایان توجه بفرمائید که این درآمد علفچر که یک میلیون اسماً برای دولت است و فقط روی کاغذ هست و عملاً صد هزار تومان هم نیست برای اینکه اولاً مخارج زیادی دارد ثانیاً آن کسبیکه میخواهد اجازه کند سندر خوب میدهد ولی موقعی که میخواهد دینش را بپردازد اول زود هر ضلع میدهد بده میگوید که گوسفندی در فلان مرتع تعالیف کرده و من درآمدش را نگرفته ام و از این لحاظ اجازه باطل است و روی این اصل بنده استدعا میکنم از اینکار صرف نظر بکنید از اینکه دولت حق المرتع بگیرد و سه چهار میلیون نفر مردم ایلات و عشایر را راحت کنید بگذارید از تهران که ممکن است شکایت کنند در ایلات و عشایر عملی که زاندارم میخواهد با مردم بدبخت بکنند یون از شان میگیرد و چو شان میزند و کتکشان میزند بیچارشان میکند با اسم این که یک سندیاره داده اند دستشان بنده عرض این بود البته بسته بنظر آقایان است اگر آقایان موافقت رأی بدهند و اگر موافق نیستند رأی نمیدهند.

**رئیس -** آقای وزیر کشاورزی **وزیر کشاورزی -** استدعا میکنم آقایان توجه بفرمائید بعرض بنده دفعه گذشته اگر جلسه قبل آقایان نظرشان باشد یک چنین پیشنهادی شد در حد حالا نمیروند مرتع باین صورت در آمده عرض بنده راجع بمراتع است مرتع این مملکت هم مثل جنگلها باید حفظ بشود اگر امروز نمیتوانیم این را حفظ کنیم معنائش این نیست که هر چه جنگل و مرتع است ول کنیم بامید خدا اگر امروز مرتع را بقراری که پیشنهاد شده است ماول بکنیم چه کسی مسئول حفظ و نگهداری این مراتع است و پس فردا آقایان از وزارت کشاورزی میخواهید که صد ها هزار تومان پول بپردازد و برود دور مراتع خودش را سیم خار دار بکشد و بصورت قابل استفاده ای در بیاید حق المرتع فقط برای این گرفته نمیشود که دولت یک عایدی داشته باشد این بخواهیم بوسیله ایست که میشود اعمال کرد که کدام دسته گوسفند بآنجا بیاید والا همانطوریکه عرض آقایان اعضاء کمیسیون رساندم شما بجهت وسیله ای میتوانی جلو گیری از این بکنید که دوسفندها هجوم نیاورند حالا بنده سر مالکیتش کاری ندارم که اصلاً آقایان صلاح میدهند که دولت مالک مرتع نباشد ولی

بالاخره باید مرتعی وجود داشته باشد و ما باید نهایت مراقبت کنیم که این منابع از عایدی مملکت که یکی از ثروت های ملی این مملکت هست حفظ بشود و اگر همینطور ول بکنیم اینقدر آزاد باشد که هر کس بتواند آوا و گوسفند خودش را بیاید تعالیف کند این مراتع بکلی از بین میرود سال بعد بکنی از بین خواهد رفت و بعد باید در صدد بیفتیم که مرتع ایجاد بکنیم این را استدعا میکنم آقایان توجه داشته باشید در مالک خارجه جنگل و مرتع را مصنوعی ایجاد میکنند اجازه بفرمائید ما این چیزی را که داریم سعی کنیم حفظ کنیم حالا اگر مأمورین بند عمل میکنند بسیار خوب تئیبیشن کنید اگر بنده فرضاً نمیتوانم درست عمل کنم دیگری را که میتواند بیاید بهره حال ما نمیتوانیم بیاییم همه این مراتع را ول کنیم بامید خدا و پس فردا از بین برود **رئیس -** آقای صدرزاده موافقت با این پیشنهاد؟

**صدرزاده -** بنده مخالفم آقای رئیس - باید یک مخالفی اول صحبت بکند آقای سلطان مراد بختیار شما حق نداشتید بعنوان موافق اول صحبت کنید آقای صدرزاده حالا بفرمائید **صدرزاده -** عرض کنم که ما در اینجا در قانون خالصجات بحث میکنیم و خالصجات یعنی املاک متعلق به دولت بنابراین از حد این قانون نباید تجاوز کنیم یعنی پیشنهادهایی که میدهم با مالک و علاقه جات مملو که مردم نباید تماس داشته باشد این فقط مربوط بفروش خالصجات نیست اینگونه مطالب نیست این مملکت بوقت دیگر کم و کول بشود مثلاً در مازندران و بسیاری از نقاط اصلاً مرتع جزء ملک است یعنی عین ملک است و اصلاً حق مالکیت بوسیله گرفتن حق المرتع اعمال میشود پس بنابراین یک همچو پیشنهادی باین اصول صدمه میزند و این صحیح نیست اما راجع بقسمت مراتع مال دولت یعنی خالصه دولت اتفاقاً این صورتی که بنده اینجا دارم جناب آقای دکتر شاهرار این در دوره شانزدهم بمجلس تقدیم شده به عنوان سیاهه املاک و اراضی خالصه در نقاط بسیاری مثلاً در رضایه مقدار زیادی املاک هست که اصلاً شش دانگ مرتع است یعنی دولت مرتعی را مالک است و اگر ما یک پیشنهادهایی بخواهیم بدهیم که سلب مالکیت دولت را از این مراتع بخواهیم بکنیم سلب مالکیت دولت را از بسیاری از املاکش کرده ایم بعلاوه مفهوم

تعیین اینست که این مراتع را بفروشیم (جلیلی- مراتع را بفروشند) وقتی فروخته میشود مملکت اشخاص بافتهای و انالی- شان خریداری کنند و مادامی هم که مال دولت است تا ۵۰ رأس گوسفند اگر بخواهد از این مرتع استفاده کند آنچه بنظر من میآید در جلسه گذشته تصویب شد که آن حق المرتع را هم نباید بپردازند بنابراین بنده تصور میکنم که این پیشنهاد تصویب در اینجا موردی ندارد

**رئیس - آقای** دکتر شاهرار **دکتر شاهرار -** چون آقای وزیر کشاورزی فرمودند تولید هرج و مرج میشود و بنده نمیخواهم تولید هرج و مرج بشود پیشنهادم را پس گرفتم **رئیس -** آقایان دقت بفرمائید در این ماده ۳ بیست پیشنهاد رسیده و اغلب هم شاید خیلی وارد نباشد توجه بفرمائید قرائت شود (پیشنهاد آقای دکتر جزایری بشرح ذیل خوانده شد) **مقام ریاست مجلس شورای ملی** پیشنهاد مینمایم که قسمت اول ماده ۳ بدین شرح اصلاح شود: بجای «از قراء و مزایعی که بیش از نصف متعلق بدولت و خالصه باشد» نوشته شود: «کلیه قراء و مزایعی که متعلق بدولت و خالصه باشد» **عمید علی نوری -** این تصویب شده است.

**دکتر جزایری -** مشابه آن تصویب شده است پس گرفتم **رئیس -** تصویب شده پیشنهاد دیگری قرائت کنید (پیشنهاد آقای دکتر وکیل بشرح زیر قرائت شد) **ریاست معظم مجلس شورایی** پیشنهاد مینمایم بصره زیر بنام بصره ۷ بماده سوم اضافه شود: بصره ۷. هر یک از آقایان کارمندان رسمی دولت که حاضر با استمضاء از خدمات دولتی شده و از حقوق بازنشستگی نیز صرف نظر نموده و تعهد نه آیند که دیگر هیچ عنوان شاغل خدمات اداری نشوند دولت در مقابل این شرایط میتواند معادل حقوق ثابت دریافتی یکساله آن ها ضرب در سنوات خدمت (اعمال حقوق و سایر مزایای ثابتی که در سال ۱۳۳۳ دریافت کرده اند) از املاک خالصه طهران یا شهرستان ها در دوره شانزدهم بمجلس تقدیم شده به عنوان سیاهه املاک و اراضی خالصه در نقاط بسیاری مثلاً در رضایه مقدار زیادی املاک هست که اصلاً شش دانگ مرتع است یعنی دولت مرتعی را مالک است و اگر ما یک پیشنهادهایی بخواهیم بدهیم که سلب مالکیت دولت را از این مراتع بخواهیم بکنیم سلب مالکیت دولت را از بسیاری از املاکش کرده ایم بعلاوه مفهوم

(مجدداً بشرح سابق پیشنهاد را قرائت کردند)  
 منظور از این پیشنهاد این است که ماهی ناله می‌کنیم که بودجه متعادل نیست از یکطرف می‌گوئیم کارمندان دولت زیادند از یکطرف دیگر می‌خواهیم خرده مالک دره ملک درست کنیم که با شرائط اوضاع واحوال بتوانیم عمران و آبادی دره ملک بکنیم اگر این کارمندان زیادی که ما داریم خودشان بیایند از حقوق باز شستن صریح نظر بکنند این ممکن است اصلاح سرمایه بشود برای یک بانک عمران در مملکت بعد هم یک میزان زمین بگیرند و مشغول کار زراعت شوند و با نتیجه در ادارات هم طبیعتاً کثرت کارمندان کم میشود بنابراین هم کارمندان دولت کم شده‌اند و هم بودجه متعادل شده است و هم اینکه از این راه خرده مالک آشنا برآزین و مقررات مملکت را زیاد کردیم و در صورت دفع مملکت و آقایان کارمندان دولت است (مهندس اردبیلی - مدت هم معلوم کنید تا یکسال باشد) بسیار خوب - ایشان قبول میکنند تا یکسال باشد

**رئیس - آقای بزرگ ابراهیمی** بفرمائید.

**بزرگ ابراهیمی -** اول به فرضیه جناب آقای دکتر توجه بفرمائید بفرمائید حقوق یکساله این شخص که میخواهد استعفا کند ضرب در سنوات خدمت - حالا بنده مثل برایتان می‌آورم منظور از تقسیم خالصجات دادن ملک بزارع مقیم است آقا بفرمائید که حقوق یک ساله ضرب در سنوات خدمت در مقابل باو ملک بدهند.

یک قاضی از کار خسته ۱۴۰۰ تومان در ماه حقوق می‌گیرد (یکی از نمایندگان - هزار تومان می‌گیرد) هزار تومان این آدم اگر بیاید استعفا بدهد حقوق یکساله اش میشود ۱۴ هزار تومان - چهل سال خدمت کرده ۴۸۰ هزار تومان بیاید یک ملک بگیرد خدا حافظ شما هزار خانواده از بین برود آقا زارع بشود اصلاً نه زراعت بلد است و نه میتواند کشت بکند مخالف همه جور منطقی است (مهندس اردبیلی - حقوق یکماهه ضرب در سنوات خدمت) اجازه بفرمائید منظور از این تقسیم خالصجات چیست اگر بنا بر این باشد بنده هم دو سال خدمت کرده‌ام چهل هزار تومان خسارت شده قرار می‌گذارم کاندید نشوم بروم کنار این خیلی بی منطق است ما اصل منظور همان تقسیم زمین است بین زارع چطور بیاییم بیک نفر ۵۰۰ هزار تومان بدهیم بنده مخالفم

**رئیس - آقای صدرزاده موافقید؟**  
**صدرزاده -** خیر بنده مخالفم  
**رئیس - آقای وزیر کشاورزی** بفرمائید.

**وزیر کشاورزی -** بنده با اصل پیشنهادی که فرمودند موافقم ولی دو نکته است یکی اینکه هر کارمند دولتی نمیتواند زراعت کند یک تعداد خیلی محدودی هستند که میتوانند واقعاً بروند زراعت کنند یکی هم اینکه مبلغش بنظر بنده با دقت کافی حساب نشده اگر حساب کنیم حد افش اینست که بگوئیم غیر از حقوق چیزی تعلق نگیرد امروز هم بحد الله همه رتبه ۹ هستند و حقوقش میشود ۷۰۰ تومان ۲۵ سال سابقه خدمت دارد میشود دو بیست هزار تومان،

صد و هشتاد هزار تومان این تولید خرده مالک نیست تولید عمده مالک است (صحیح است) اگر مبلغ را بشود یک طوری اصلاح کرد و تخصیص بدهیم باشخصاصیکه خودشان میتوانند بروند زراعت کنند نه اینکه بگوئیم بروند ملکی بگیرند در خوزستان و خودشان در تهران ساکن شوند این صحیح نیست.

**رئیس - آقای مغیر بفرمائید.**  
**مغیر (مشایخی) -** آقایان نمایندگان محترم این تبصره اینکه پیشنهاد شده است بسیار مطاب قابل توجهی است مادر طرف این مدتی که از دوره ۱۸ گذشته از کسر بودجه از عدم توازن بودجه از متورم بودن تعداد کارمندان دولت از اینکه کارمندان دولت بیکار راه میروند و حقوق میگیرند در جلسات مختلف صحبت کرده‌ایم و همه علاقمند بودیم و هستیم که با تأمین رفاه و آسایش زندگی کارمندان دولت تدابیری برای کسر کارمندان اتخاذ بکنیم که با نتیجه واحدی در توازن بودجه کشور تأثیر داشته باشد و تصور میکنم با همین توضیح مختصر آقایان تأیید و تأکید خواهند فرمود که با هم باید دنبال راه حل برویم که کارمندان کمتر شود و بودجه توازن پیدا کنند بنابراین موضوع تقسیم خالصجات بین کارمندان دولت یک فکری است که سالهای سال در مجلس شورای ملی و در کمیسیون هام سبق سابقه بوده و من مخصوصاً خاطر من هست که در سال گذشته جناب آقای دکتر مشیر فاطمی برای تقلیل کارمندان راه‌حلهایی در کمیسیون بودجه پیشنهاد کردند ولی مطلب مورد بحث واقع نشد (صحیح است) بنابراین اگر ضمن قانون خالصجات راهی

بتوانیم پیدا بکنیم که مقداری از کارمندان دولت هم کشاورز بشوند و باین ترتیب مقداری از کارمندان دولت را کسر کنیم باشیم قابل توجه و قابل اهمیت است. پیشنهادی که ایشان کرده‌اند نقص دارد آقایان بیایند راه‌حلی پیدا کنند که کارمند رتبه ۹ حداکثر در حدود ۳۰ هزار تومان از املات خالصه داده و بیکار کشاورزی اشتغال ورزد نه اینکه است نه تجاوز است و نه مضر است بنابراین این پیشنهاد را اصلاح کنیم ۵ برابر رتبه سالیانه اگر یک کارمند رتبه ۹ ششصدتومان حقوق می‌گیرد حقوق سالیانه اش میشد ۷۲۰۰ تومان، پنج برابرش میشود ۳۶۰۰۰ تومان. باین ترتیب اگر اصلاح شود خوب است.

**رئیس - آقای مشایخی** شما وظیفه هست که پیام وقت کنید یا نکنید اگر خود پیشنهادی دارید میتوانید بدهید.  
**مشایخی -** بهر حال منظور این است که این پیشنهاد را طوری اصلاح بفرمائید که متناسب با مبلغ ۳۵ هزار تومان باشد.

**۷. تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه**

**رئیس -** جلسه را ختم میکنیم روز یکشنبه خواهد بود دستور هم این لایحه است.  
 (۲۰ دقیقه بعد از ظهر مجلس ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی  
**رضاحکمت**

**قانون اجازه پرداخت یکصد میلیون ریال اعتبار اضافی بوزارت راه جهت تأمین کسر اعتبار سال ۱۳۳۴**

ماده واحده - بمنظور تأمین کسر اعتبار مربوط بر اهداری و راه سازی و مسافت خطوط دست اقدام و آنچه انجام آن در سال ۳۴ بوسیله وزارت راه ضرورت پیدا کند و برای خرید لوازم فنی و وسائط نقلیه و افزایش بودجه تعمیر ماشین‌های راه سازی و پرداخت هزینه نظارت و هزینه‌های دیگر مربوط بر اهداری و راه سازی دولت مکلف است از اعتبارات سازمان علاوه بر آنچه ضمن برنامه های اجرائی بموجب قانون مصوب اسفندماه ۲۷ بتصویب رسیده است تا آخر سال جاری مبلغ یکصد میلیون ریال بوزارت راه پرداخت نماید که بمصارف منظور فوق برسد.

تبصره ۱ - دولت مکلف است راه سازیهای اصلی و همچنین راه های استانی و راه های نیمه تمام کشور را ضمن برنامه هفت ساله کشور منظور نماید.  
 تبصره ۲ - دولت مکلف است ظرف شش ماه برای راه سازی سراسر کشور و مکانیزه نمودن و طریق راهداری و مسافت نمودن راههای شهرستانها برنامه ده ساله ای تهیه و بپایان پیشنهاد نماید که محل اعتبار آن علاوه بر آنچه که در بودجه عمومی مملکت پیش بینی شده کمبود آن از محل عوائد نفت تأمین شود.  
 این قانون که مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره است در جلسه سه شنبه دوم آبان ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار بتصویب مجلس شورای ملی رسیده.

رئیس مجلس شورای ملی - **رضاحکمت**